

«وزارت تعاون: کالابرگ دی، بهمن و اسفند ۱۴۰۴ تا پایان فروردین ماه اعتبار دارد.»

«بانک مرکزی: سقف مبلغ تراکنش با استفاده از رمز دوم ثابت از ۵ میلیون ریال به ۱۰ میلیون ریال افزایش یافت.»

«آموزش و پرورش استان: کلاس های درس تا تاریخ ۱۸ اردیبهشت، مجازی هستند.»

«هلال احمر: از ابتدای جنگ تاکنون ۱۱۸ هزار و ۵۸۰ واحد غیرنظامی توسط دشمن مورد اصابت قرار گرفته است.»

«وزارت کار: ۳۳ همت تسهیلات اشتغال برای مشاغل خرد و خانگی در سال ۱۴۰۴ پرداخت شده است.»

مردگانی میلیاردری برای خلبان آمریکایی

کلوزآپ

دیروز یکی از روزهای پرخطر و حساس در فضای منطقه ای بود؛ روزی که دو خبر پشت سرهم توجه رسانه ها و افکار عمومی را به خود جلب کرد. نخستین خبر به انهدام دومین جنگنده پیشرفته اف-۱۵ آمریکا در آسمان مرکزی ایران مربوط می شد؛ اهمیت ماجرا وقتی بیشتر شد که هم زمان گزارش هایی از فرود اضطراری خلبانان آمریکایی در نزدیکی مرزها و تلاش برای یافتن یا انتقال آنان منتشر شد؛ اخباری که از عملیات جست و جو و پرواز بالگردها حکایت داشت. در همین فضا، قالبیاف با کنایه نوشت: «پس از ۳۷ بار شکست دادن ایران، این جنگ درخشان و بی استراژی که آغاز کردند، از «براندازی» به «کسی می تواند خلبانان ما را پیدا کند؟» رسیده است.» جالب تر آنکه افشار مختلف برای یافتن خلبانان مزدگانی تعیین کرده اند؛ از ۱۰ میلیارد طلاروشان یاسوج تا ۱۵ میلیارد یک شرکت خوزستانی و یک میلیارد و ده نقدی یک تاجر گناوه ای.



عکس نوشت

ترامپ دنبال راه خروج!



تیتز بسیاری از رسانه های جهان این روزهای محور مشترک دارد: مخمضه آمریکا در جنگ با ایران. تحلیل ها نشان می دهد که واشنگتن تلاش می کند تصویری از «پیروزی» بسازد، اما واقعیت های میدان روایت دیگری دارند. در همین فضا، مجله تایم در جلد جدید خود با تیتز «جست و جوی ترامپ برای خروج از جنگ ایران» به بن بست راهبردی آمریکا پرداخت.

حمله به مسیر پیشرفت کشورمان

تقاضی دیگری نیز در این میان دیده می شود. دونالد ترامپ در روزهای ابتدایی تنش ها با شعارهایی درباره «بازگرداندن بزرگی به ایران» سخن می گفت، اما اکنون در اظهاراتش تهدید می کند که ایران را به «عصر حجر» بازخواهد گرداند. فاصله میان این دو ادعا، تصویری روشن از رویکردی می سازد که میان شعارهای حمایتی و اقدامات مخرب شکاف عمیقی دارد. کشوری که سال ها زیر فشار تحریم ها قرار داشت، در همین شرایط تلاش کرد زیرساخت های خود را با اتکا به توان داخلی بسازد. پل هایی مانند B1، کارخانه ها، مراکز درمانی و صنایع زیرساختی مانند پالایشگاه های فولادی، حاصل کار مهندسان و کارگران ایرانی است؛ سازه هایی که نه تنها بخشی از زندگی روزمره مردم را بهبود می دهند، بلکه نشانه ای از آینده و توسعه اند. تخریب چنین زیرساخت هایی در عمل چیزی فراتر از یک حمله نظامی است؛ حمله ای به مسیر پیشرفت و امید یک جامعه.

وقتی بهانه ها هم دیگر کار نمی کند

در روزهای گذشته برخی جریان های سلطنت طلب و حامیان خارجی بارها تلاش کردند که حملات به مراکز غیرنظامی را توجیه کنند و مدعی شدند نیروهای نظامی در مدارس، بیمارستان ها یا ورزشگاه ها پناه گرفته اند. این ادعاها همواره به عنوان توجیهی برای حمله به این مراکز مطرح می شد. اما اکنون درباره پلی که هنوز حتی افتتاح هم نشده بود، چه توجیهی می توان آورد؟ پلی که صرفا برای کاهش ترافیک و رفاه شهروندان ساخته شده بود، چگونه می تواند بهانه ای برای هدف قرارگرفتن باشد؟ با این حال، حتی در برابر چنین نمونه هایی نیز برخی همچنان بر همان روایت های قدیمی یافشاری می کنند؛ گویی واقعیت های عریان جنگ هم نتوانسته آن ها را از این خواب طولانی بیدار کند.



پیشرفت ایران خار چشم دشمن

تخریب زیرساخت های ماد دست خالی آمریکا را پر نمی کند



نه به جنگ در آمریکا

میانگین نظرسنجی های نیت سیلور نشان می دهد که در افکار عمومی آمریکا، مخالفت با این جنگ ۱۷ درصد بیشتر از حمایت از آن است.



موج ورشکستگی در اسرائیل

دور دنیا



طبق رسانه های عبری. ۶۹ درصد از شرکت های اسرائیلی به طور مستقیم از جنگ و پیامدهای آن آسیب دیده اند. بر اساس گزارش سازمان نوآوری اسرائیل (IIA)، حدود ۸۲۰۰ متخصص حوزه فناوری های پیشرفته، کشور را ترک کرده اند که حدود ۲۰ درصد از کل نیروی کار این بخش است. بیش از ۸۰ درصد شرکت های اسرائیلی تبار نیز ترجیح می دهند در ایالات متحده ثبت شوند. در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۰ درصد بود. به این ترتیب خروج سرمایه های انسانی. آینده نوآوری در این رژیم را با تهدید جدی روبه رو کرده است.

توفان برکناری در پنتاگون

خبر ویژه

موج برکناری فرماندهان ارشد در پنتاگون همچنان ادامه دارد. به گزارش واشنگتن پست، وزیر جنگ آمریکا علاوه بر رئیس ستاد نیروی زمینی ارتش، ژنرال چهارستاره «دیوید ام. هودنه» فرماندهی تحول و آموزش ارتش و «ویلیام گرین جونپور» رئیس عالی روحانیون ارتش را نیز برکنار کرده است. با این تصمیم، شمار فرماندهان ارشد کنار گذاشته شده به ۱۲ نفر رسیده است. یک سناتور آمریکایی می گوید احتمالا این ژنرال های با سابقه پیش تر به وزیر جنگ هشدار داده بودند که نقشه های او برای جنگ با ایران، غیرعملی و فاجعه بار است.



جهان در برابر انفجار قیمت انرژی

خبرخوان

محدودیت عبور و مرور در تنگه هرمز و افزایش نرخ جهانی سوخت نشانگر حساسیت بازارهای جهانی انرژی به تحولات ژئوپلیتیکی در غرب آسیاست. آمار زیر بخشی از تغییرات قیمت نفت و گاز در روز پایانی هفته چهارم جنگ نسبت به میانگین هفته قبل از آغاز جنگ را نشان می دهد.

↑%۷۰	↑%۷۶	↑%۹۴
از ۷۰ به ۱۱۸ دلار	از ۳۸ به ۶۴ سنت	از ۳۹ به ۷۶ سنت
تغییر قیمت نفت سبداویک	تغییر قیمت گاز اروپا	تغییر قیمت گاز کو-زاین

پیشرفت ایران خار چشم دشمن

تخریب زیرساخت های ماد دست خالی آمریکا را پر نمی کند

پل B1 کرج قرار بود یکی از بزرگ ترین گره های ترافیکی کشور را باز کند. مسیری که سال ها رانندگان برای عبور از آن ناچار بودند حدود یک ساعت در ترافیک بمانند، با افتتاح این پل به حدود ۱۰ دقیقه کاهش می یافت. پروژه ای که نزدیک به یک دهه برایش زمان صرف شد تا رفت و آمد هزاران شهروند میان کرج و تهران آسان تر شود. با این حال، همین سازه عمرانی که قرار بود رفاه و آسایش مردم را افزایش دهد، به هدف حمله تبدیل شد؛ آن هم درحالی که مقامات آمریکایی بارها به دروغ مدعی شده بودند قصدشان «نجات مردم ایران» است.

جنايت جنگی در ایران

حمله به پل، تنها نمونه ای از این اقدامات نیست. گزارش ها نشان می دهد که مجموعه ای از زیرساخت های غیرنظامی نیز هدف قرار گرفته اند؛ از بیمارستان ها گرفته تا کارخانه های داروسازی و مراکز علمی. خبرنگار یک شبکه تلویزیونی فرانسه در تهران گزارش داده که برخی اهداف شامل بیمارستان ها، هشت کارخانه داروسازی «از جمله مرکزی برای تولید داروهای سرطان» و حتی انستیتو پاستور ایران بوده است.

تدروس آدانوم گبریسوس، دبیرکل سازمان جهانی بهداشت، هم از گزارش های متعدد درباره حمله به مراکز درمانی در تهران خبر داده و اعلام کرده که مؤسسه پاستور ایران خسارت قابل توجهی دیده و قادر به ادامه ارائه خدمات بهداشتی نیست. همچنین بیمارستان روان پزشکی دلارام سینادر حمله ای در ۲۹ مارس آسیب جدی دید و مجموعه دارویی توفیق دارو، تولیدکننده داروهای مورد نیاز بیماران سرطانی و ام اس نیز دچار خسارت شد.

هنرمندان؛ صدای رسای غیرت و وطن دوستی

در روزهایی که ائتلاف آمریکایی صهیونیستی با حملات وحشیانه خود تلاش کرد با ایجاد رعب و فشار، صفوف ملت را بشکند و فضای یأس را بر جامعه حاکم کند. بسیاری از هنرمندان کشورمان با وجود حجمه‌های سازمان یافته رسانه‌های یبیکانه برای تنگ کردن فضای اظهارنظر به میدان آمدند. آن‌ها با ایستادن پشت کشور و مردمشان، ثابت کردند که هنر، زمانی که در خدمت حقیقت و دفاع از خاک کشور باشد، جلوه‌ای از غیرت ملی است. در این یادداشت، نگاهی گذرا به پژواک صدای هنرمندان در این ایام دشوار داریم.



نغمه‌های مقاومت؛ وقتی موسیقی سلاح می‌شود

هنرمندان موسیقی از نخستین کسانی بودند که با زبان هنر، اقتدار و مظلومیت ایران را فریاد زدند. از همان روزهای نخست، خوانندگان با آثار خود به صدای «حسبی!...» فضایی سرشار از معنویت و پایداری آفریدند که به سرعت در میان مردم جای خود را باز کرد. گرشا رضایی با قطعه «خانه»، مصطفی راغب با تأکید بر ایستادگی تا پای جان و محمد معتمدی با سرود حماسی «زنده باد ایران»، از جمله کسانی بودند که با آثار خود به مقابله با جنگ روانی دشمن رفتند. همچنین کارن همایونفر با ساخت قطعات مارش نظامی و محمد اصفهانی با محکوم کردن تجاوز به تمامیت ارضی، به دفاع از خاک ایران پرداختند. رضا صادقی نیز با انتشار آهنگ اختصاصی خود و توثیق «خدا، مادر وطن» و میثم ابراهیمی با حضور در میان امدادگران پیوند عمیق میان هنر و مردم را به تصوب کشیدند.

خشم هنرمندان از سکوت در برابر جنایت

در میان طیف کارگردانان و بازیگران نیز واکنش‌ها صریح و قاطع بود. مجید مجیدی، کارگردان برجسته سینما، با انتقادی تند از سکوت مجامع بین‌المللی و به‌ویژه علمای ال‌اچ‌ز در برابر کشتار کودکان و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، آن را خشمگینانه تقبیح کرد.

حامد بهداد نیز با یادآوری دردناک شهادت کودکان مدرسه شجره طیبه میناب، صدای دادخواهی مادران داغدار شد. رامبد جوان و احسان علیخانی نیز در یادداشت‌های جداگانه‌ای، همدردی خود را با خانواده‌های شهدا ابراز کرده و بر ایستادگی ملت تأکید ورزیدند. این واکنش‌ها نشان داد که

هنرمندان در کنار مردم

تلاش دشمن برای بازگرداندن ایران به عصر
با سد محکم اتحاد هنرمندان مواجه شد. پرویز
پرستویی از ایرانیان سراسر جهان خواست برای
دفاع از حقیقت سکوت نکنند. در حالی که احمد
نجفی، بازیگر پیشکسوت، بر ضرورت وحدت
ای عبور از شکاف‌ها تأکید کرد. الناز ملک با تأکید
بران بانو، و تعهد به آینده کشور و علیرضا داونژاد
ن پیوند «اراده ملی» و «دقت تکنولوژیک»؛ نگاهی
ستراتژیک به قدرت دفاعی ایران داشتند. حضور
میدانی هنرمندانی چون پژمان جمشیدی، حسین
یاری و سجاد بابایی و جمع زیادی از هنرمندان در
میان امدادگران و مردم نشان داد که هنرمندان در
میدان‌های تبحر و مقاومت حضور دارند.

تجلی هویت در برابر غارتگران

محمود گبرلو، منتقد سینما، با تحلیلی دقیق، حملات
ائتلاف را نه برای نجات، بلکه برای غارت ثروت و تضعیف
هویت یکپارچه ایران دانست. در همین راستا، هنرمندانی
چون محسن شریفیان با یادآوری صلابت جزیره خارک
و هنرمندانی مانند مجید دهقانی و لاله اسکندری، با
ادبیاتی سرشار از عشق به میهن، آینده‌ای روشن را با
تکیه بر اتحاد ملی ترسیم کردند. سخنان محمدرضا
شهیدی فر مبنی بر اینکه «اگر نقشه تغییر کند، این
ایران است که بزرگ‌تر می‌شود»، روحیه سلحشورانه
هنرمندان را به خوبی نمایان کرد. در نهایت، این
هم‌صدایی، بار دیگر ثابت کرد که ریشه این ملت در
خاک ایستاده است و هیچ توفانی نمی‌تواند این قامت
دانا را خم کند.

«سلبریتی نماها» بازنده‌های واقعی جنگ

جنگ تحمیلی اخیر فقط صحنه تقابل نظامی نبود؛
آینه‌ای بود که چهره واقعی جامعه را نیز نشان داد.
در روزهایی که سایه تهدید بر سر کشور سنگینی
می‌کرد، بسیاری از هنرمندان کشور پای کار آمدند
و با موضع‌گیری‌های خود در کنار مردم ایستادند.
اما آنچه بیش از هر چیز چشمگیر بود، حرکت‌های
مردمی بود: حضوری شبانه در خیابان‌ها و
میدان‌های شهر که حالا به روز سی و پنجم رسیده
و نشان داده امنیت این سرزمین، پیش از هر چیز
به اراده مردم گره خورده است.

سلبیریتی واقعی

در این شب‌های کشناد و پرفشار، یک حقیقت آرام‌آرام از دل واقعه بیرون زد: «سلبریتی واقعی» همین آدم‌های معمولی‌اند؛ همان‌ها که نامشان روی هیچ تابلویی نیست. اما جانشان برای ملت برای وطن خرج می‌کنند. در این جنگ تحمیلی، در کنار حضور پررنگ هنرمندان متعدد که شانه‌به‌شانه مردم ایستادند، یک پیام دیگر هم میان آتش و دود برایمان آشکار شد؛ اینکه نباید روی هیچ چهره‌ای بیش از حد حساب باز کرد. این «سلبریتی‌زدگی» افراطی، بیشتر با جهان غرب هم خوان است؛ جایی که برای الگوشدن، چهره‌ای اصیل و بی‌شده‌دار کمتر پیدای می‌شود. اما این خاک، حکایت دیگری دارد.

اینجا مهد مردان بزرگ است

در همین روزها، برخی مسئولان ما با رفتنشان در فهرست

شهادت‌های راه حقیقت، تبدیل به نشانه‌های زنده‌ای از صبری و استقامت شدند؛ از حضور شهید علی لاریجانی در جبهه تهدیدها در میان مردم و در دل راهپیمایی گرفته تا فرماندهانی چون شهید تنگسیری که محور عملیات بزرگ تنگه هرمز را در کنار شیرمردان سپاه رقم زدند. این‌ها الگوهای هستند که نه روی فرش قرمز که روی خاک داغ وطن راه رفتند. اینجا، قهرمان آن قدر زیاد است که نیازی نیست برای کنش‌های اجتماعی و جمعی، تمام نگاهمان را به چند چهره معروف بدوزیم. هنرمندانی که در کنار مردم و کشورشان ایستادند. اعتبارشان را جاودانه کردند و آن‌ها که سکوت کردند یا از خاک میهنشان رو برگرداندند. در ظاهر شاید چیزی نیافتند. اما در حقیقت بزرگ‌ترین باخت را تجربه کردند: «باختن در آزمون وفاداری به مردم و میهن عزیزمان ایران».

